فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره بیست و هفتم. زمستان ۱۳۹۷، صص ۱۱۰-۹۷ Vol 3. No 27. 2018, p 97-110
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

مقایسهٔ بیع متقابل و IPC در صنعت نفت ایران

دکتر علیرضا مظلوم رهنی[۱]. محسن اسمعیلی[۲]
۱. وکیل پایه یک دادگستری و استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس. ایران
۲. وکیل پایه یک دادگستری و کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیک. ایران

چکیده
بعد از استقرار نظام جمهوری اسلامی از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۷۱ قراردادهای نفتی ایران به صورت تامین مالی پروژه و بعد از آن تا سال ۱۳۹۴ در قالب قراردادهای بیع متقابل منعقد می‌گردید. قراردادهای بیع متقابل حالت خاصی از قراردادهای ریسکی خرید خدمت هستندکه پیمانکار طرف قرارداد، عملیات مربوط به اکتشاف و توسعه را در قبال دریافت حق الزحمه‌ای معین انجام می‌دهد. مدل قراردادهای نفتی ایران برای بیش از دو دهه بیع متقابل بوده است. با شروع دهه ۹۰ با طرح معایب بیع متقابل واذعان به ناکارآمدی آن بحث و تلاش‌هایی بین کارشناسان برای تبدیل قراردادهای نفتی در حوزه نفت به منظور ایجاد جذابیت برای سرمایه گذار خارجی افزایش یافت. این گروه از افراد تأکید داشتند باید اولاً انگیزه‌های لازم برای انتقال تکنولوژی و ثانیاً زمینه حضور پایه ای وبلند مدت را برای سرمایه گذارخارجی فراهم نمود معهذا با مناسب دانستن قراردادهای مشارکت در تولید به عنوان بهترین روش آن را معامله ای برد- برد برای طرفین می‌دانستند. این طرز تفکر به ظهور و تصویب نوع خاصی از قراردادهای نفتی موسوم به IPC منجر گردید. در مقام مقایسه طراحان این نوع قراردادها معتقد بودند که IPC اشکالات قراردادهای بیع متقابل را برطرف نموده است لیکن مخالفان، مدل جدید را متعارض و متضاد با قوانین بالادستی دانسته و آن را نامناسب برای منافع کشور ارزیابی می کنند.

واژه‌های کلیدی: بیع متقابل، IPC، قرارداد نفتی، برجام

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

مقدمه

الف- بیع متقابل

قراردادهای بیع متقابل[1]را می‌توان تداوم روند تحولاتی دانست که در انواع قراردادهای نفتی ایران از سیستم امتیاز به عاملیت و از عاملیت به مشارکت و به ویژه در تبدیل به قراردادهای خرید خدمت روی داده است. پس از انقلاب با وقفه‌ای نسبتا طولانی و به دنبال سمینارهای تهران (به سال ۱۳۷۴) و لندن (به سال ۱۳۷۷) به عنوان «طرح‌های بیع متقابل ایران در زمینه نفت و گاز» قراردادهایی با شرکت‌های خارجی منعقد شد.

در تمام قراردادهای بیع متقابل، یکی از شروط الزامی، باز پرداخت تمامی هزینه‌های سرمایه‌ای و غیر سرمایه‌ای، حق الزحمه و سود پیمانکار از محل تولیدات (نفت و گاز) همان حوزه قرارداد می‌باشد. قراردادهای بیع متقابل حالت خاصی از قراردادهای ریسکی خرید خدمت هستندکه پیمانکار طرف قرارداد، عملیات مربوط به اکتشاف و توسعه را در قبال دریافت حق الزحمه‌ای معین انجام می‌دهد.

ب- آی پی سی

قراردادهای جدید نفتی ایران[2]که به اختصار آی پی سی[3]نام گرفته است و همهٔ مولّفه‌های زنجیرهٔ تولید اعم از اکتشاف، توسعه و بهره برداری را بطور پیوسته در بر می‌گیرد، الگوی جدید قراردادی است که در وزارت نفت در دولت یازدهم به منظور جذاب نمودن قراردادها برای شرکت‌های خارجی طراحی و تدوین شد. طرح این قرارداد که همسو ونیزتقریبا همزمان با توافق هسته‌ای با کشورهای ۵+۱ موسوم به برجام کلید خورد بدلایل گوناگون بحث‌های جدی مخالفین و موافقین را به دنبال داشت. مضاف برآن مادامیکه چرخ اقتصاد کشور برپایه نفت و نیزاداره کشور بر اقتصاد تک محصولی استواراست وهمچنین صدور نفت خام بدون آنکه به فرآورده تبدیل شود آنهم تحت تاثیرسیاست های بین المللی بخصوص دولت‌های قدرتمند، ایران را همیشه گرفتار چرخه معیوب صدور نفت خام به قیمت ارزان و ورود فرآورده‌های نفتی به قیمت گزاف نموده است. قوانین ایران در ارتباط با جذب سرمایه‌گذاری خارجی سیاستِ محدودکننده و سلبی و سختگیرانه دارد و رویکرد عمده‌ای که از سرمایه‌گذاری خارجی در کشور رواج یافته با واقعیت‌های عملی آن، چندان همخوانی ندارد؛ با نگاهی کاربردی و مبتنی بر تجربه می‌توان دریافت سرمایه‌گذاری خارجی، در قالب ترتیباتی که به مثابهٔ روح در کالبد بی‌جان مقررات آن می‌دمند، عینیت می‌یابد. نتیجه اینکه صِرف جذب سرمایه‌های خارجی و عدم توجه به سایر الزامات پروژه‌های سرمایه‌گذاری، منجر و منتهی به انتقال تکنولوژی، دانش فنی و مدیریتی، ایجاد اشتغال، تقویت بخش خصوصی، رشد و توسعهٔ اقتصادی نمی‌شود و حداکثر یکی از عناصر سرمایه‌گذاری خارجی یعنی تأمین

1. Buy Back
2. Iran Petroleum Contracts
3. IPC

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

منابع مالی لازم برای اجرای پروژه و در مرتبتی ضعیف‌تر استقراض خارجی را در بر می‌گیرد (حاتمی، کریمیان، ۱۳۹۳)

انواع بیع متقابل

حقوق دانان ۱۲ نوع از معاملات تجارت متقابل را شمرده‌اند: معاملات تهاتری، خرید متقابل، جبران، آفست، بیع متقابل، مبادلهٔ انتقالی، معاملات موازی، همکاری‌های متقابل، معاملات متقابل، معاملات دوجانبه، معاملات سه‌جانبه، معاملات به‌هم پیوسته (مـافی و کریم‌پور، ۱۳۸۶: ش۱۱۲/۷). در تعریف قرار داد بیع متقابل چنین گفته اند:

۱- بیع متقابل مجموعه‌ای از روش‌های قـراردادی اسـت که در آن یک طرف، تسهیلات تولیدی را در اختیار طرف دیگر قرار می‌دهد و در مقابل تعهد می‌نماید که تمام یا قسمتی از محصولات ناشی از آن تسهیلات تولیدی را از طرف مقابل خـریداری نـماید (کمـیسیون اقتصادی اروپا، ۱۳۷۲: ۲ـ۶).

۲- معامله‌ای است که یکی ازطرفین، تسهیلات تولیدی (ماشین‌آلات، کارخانه‌جات، تکنولوژی) را عرضه مـی‌کند و طرفین توافق می‌کنند که عرضه‌کننده‌ی این تسهیلات یا فرد دیگری که توسط عرضه‌کننده معرفی می‌شود، محصولات و تولیدات ناشی از این تسهیلات تولیدی را بخرد (آنسیترال به نقل از عزیز اللهی، ۱۳۸۴: ۱۱)

۳- معامله بیع متقابل عبارت است از فـروش تـجهیزات و تکنولوژی و کارخانه در مقابل تعهد قـراردادی فـروشنده مبنی بـر خـرید مـحصولات حاصله و تولید شده از تجهیزات و تکنولوژی، بـه عـبارت دیگر توافق طرفین به تعهد سرمایه‌گذار به بازخرید محصولات حاصله از اجرای مـعامله بـیع متقابل (صادقی، ۱۳۸۳: ۱۲۲). این نوع معامله و سرمایه‌گذاری، تـرکیبی است از کارخانه و عملیات تـجاری کـه بهای معامله نه به ارز خـارجی، بـلکه با تحویل محصولات ساخته شده پرداخت می‌شود (شاپیرا، ۱۳۷۱: ۱۷۰).

بنابراین و براساس تعاریف فوق می توان چنین گفت بیع متقابل قراردادی است که یک طرف قرارداد نسبت به ارائه تسهیلات تولیدی به طرف دوم اقدام کرده و تعهد می نماید که محصولات تولید شده را رأسا و یا به واسطه از او خریداری نماید.

روش بیع متقابل ابتدا توسط کشورهای دارای اقـتصاد مـتمرکز (سوسیالیستی) مورد استفاده قرار گـرفت تـا بـه فناوری و دانش فـنی کـشورهای صنعتی دسترسی پیدا کـنند و بـتوانند کالاهای ساخته شده خود را به بازارهای کشورهای صنعتی روانه کنند. مهم‌ترین و بزرگ‌ترین نمونه‌های بـیع مـتقابل بین روسیه، کشورهای اروپای شرقی و چین بـا کـشورهای صنعتی مـنعقد شـده اسـت (ایزدی و کاویار، ۱۳۸۹: ۱۱۴).

در کشورمان اولین قرارداد بـه شـیوه بیع متقابل، بین شرکت ملی نـفت ایـران و شـرکت آمـریکائی کـونوکو بسته شد. ایـن قـرارداد قبل از اجرائی شدن، به دلیل تحریم بر ضد ایران توسط آمریکا و در زمان

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

ریاست جمهوری کلینتون ملغی شد. شرکت نفتی فرانسوی توتال با شرایط متفاوت، قرارداد کونوکو را امضا کرد و در عمل، اولین پروژه از این نوع را عملیاتی کرد (مقدم و مزرعتی، ۱۳۸۶: ۱۶۲).

قراردادهای بیع متقابل جزء قراردادهای بلندمدت محسوب می‌شوند. ساخت یک پروژه اقتصادی عظیم که به خطّ تولید برسد، یا توسعه یک میدان نفت و گاز مستلزم صرف وقت زیادی خواهد بود. علاوه بر مدتی که جهت ساخت پروژه و رساندن آن به مرحله بهره‌برداری مورد نیاز است، مدت زمان نسبتا طولانی نیاز است تا به تدریج محصولات تولیدی بازخرید شوند. (ایزدی و کاویار، ۱۳۸۹: ۱۲۰).

نقش پیمانکاری توسط طرف خارجی در بیع متقابل

در این‌گونه قراردادها شرکت‌های خارجی نقش پیمانکار را ایفا می‌کنند و وظیفه آنها تأمین همه سرمایه نوسازی و بازسازی میادین است. از طرفی پروژه‌ها فاقد خطرپذیری اکتشاف هستند زیرا همگی در میادینی که دارای ذخایر اثبات‌شده نفت و گاز هستند به اجرا درخواهند آمد. در قراداهای بیع متقابل که شیوه خاصی از قراردادهای خرید خدمت هستند، تأمین‌کردن کلیه اجرای عملیات توسعه به عهده شرکت خارجی (پیمانکار) می‌باشد. کلیه هزینه‌ها با نظارت شرکت ملی نفت ایران صورت می‌گیرد. هزینه‌های غیرسرمایه‌ای شامل مالیات‌ها، هزینه‌های تأمین اجتماعی، عوارض گمرکی و هم‌چنین هزینه آموزش کارکنان ایرانی می‌باشد. این قراردادها به صورت قیمت مقطوع نیستند ومحتمل است که از طریق نظارت، هزینه‌های سرمایه‌ای و به تبع آن هزینه بهره تأمین سرمایه کاهش چشمگیری بیابند. پس از انجام موفقیت‌آمیز عملیات توسعه، امور عملیات تولید میدان به شرکت ملی نفت ایران منتقل می‌گردد و پس از این انتقال کلیه هزینه‌های عملیاتی میدان به عهده شرکت ملی نفت ایران خواهد بود. طی این دوره تنها پیمانکار در منافع مالی ناشی از میدان-تا پایان مدت قرارداد-سهیم است. و حقوقی که به پیمانکار تعلق می‌گیرد یکی هزینه‌های نفتی به علاوه بهره ذی‌ربط به نرخ لیبور به علاوه یک سود مطلوب می‌باشد و دیگری پاداش یا همان حق الزحمه اجرای عملیات توسعه است. بازپرداخت هزینه‌های نفتی و پاداش به پیمانکار ملی سال‌های معین از طریق مستهلک‌سازی بدهی صورت می‌گیرد و این بدهی از محل فروش نفت خام، گاز و یا میعنات گازی و. . . از محل طرح تأمین خواهد شد. قراردادهای بیع متقابل ایران به نحوی تنظیم شده‌اند که پیمانکار پاسخگوی ریسک عملیاتی (ریسک هزینه و زمانبندی) باشد. منتها هیچ ریسکی به جهت کاهش قیمت نفت متوجه پیمانکار نخواهد بود. مسئولیت افزایش هرگونه هزینه جهت تحقق اهداف تصریح‌شده در قرارداد به عهده پیمانکار است مگر آن‌که چنین هزینه‌هایی قبلا مورد توافق پیمانکار و شرکت ملی نفت ایران قرار بگیرد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

۲- قرارداد آی پی سی (مدل جدید)

پس از دو دهه برای کارشناسان مشخص گردید که قراردادهای بیع متقابل نه تنها پاسخگوی نیاز کشور در دو حوزه گسترش میادین مستقل و بهره برداری از حوزه های نفتی مشترک نخواهد بود بلکه در دراز مدت باعث عقب ماندگی تکنولوژیک و در نگاهی بدبینانه تر به فاجعه محبوس شدن ذخایر نفتی و کاهش عمر مفید چاه‌های نفتی فعال؛ منجر و منتهی خواهد شد با شروع دهه ۹۰ نخبگان تلاش‌های خود را برای تبدیل قراردادهای نفتی از بیع متقابل به تولید مشارکتی افزایش دادند. این گروه از افراد تأکید داشتند باید در طرف دوم انگیزه های لازم برای انتقال تکنولوژی و در وهله دوم حضور پایه ای و طولانی مدت را ایجاد کرد و قراردادهای مشارکت در تولید را بهترین روش برای نیل به این موضوع می دانستند و از آن به عنوان قرار دادهای برد- برد یاد می کردند (فرحناکیان، ۱۳۹۵).

در سال ۹۲ یکی از اعضای کمیته بازنگری قراردادهای نفتی ضمن قبول معایب قرار دادهای بیع متقابل بر نظر منتقدین نسبت به جامع بودن و جذاب بودن قراردادهای مشارکت در تولید از سوی شرکت های نفتی خارجی، صحه گذاشت: «نصرت الله اسپیاری (عضو کمیته بازنگری و اصلاح قرار دادهای نفتی) تصریح کرد: شرکت ملی نفت ایران باید به شرکت‌های خارجی و سرمایه گذاران به عنوان شریک خارجی نگاه کند نه پیمانکار، همچنین قرارداد نیز باید به صورت برد ـ برد برای هر دوطرف تنظیم شود، ضمن آنکه طرف های خارجی توقع دارند ریسک‌ها و تعهدهای قراردادی که مسئولیت آن را به عهده می‌گیرند (Risk & Reward) در حد معقول و مناسبی باشد، بویژه آنکه نرخ بازگشت سرمایه بیشتر و مدت زمان بازگشت سرمایه نیز سریع‌تر شود.

مزایای IPC از نگاه کارشناسان دولت

طراحان **IPC** معتقدند ایرادات مطرح شده در قراردادهای بیع متقابل به ترتیب زیر در **IPC** مرتفع می‌گردد[۴]:

۱. بلندمدت بودن دوره قرارداد: از آن جا که **IPC** قراردادی بلند مدت است که شامل دوره ی توسعه و تولید می‌شود و همچنین پاداش تولید به ازای تولید هر بشکه پرداخت می گردد، نگاه پیمانکار به مخزن، نگاهی بلند مدت است. لذا پیمانکار برای دستیابی به سود حداکثری، خود را ملزم به تولید حداکثری می‌کند و برای تحقق تولید حداکثری، نگاهی صیانتی به میدان دارد و به دنبال حداکثر بازیافت از مخزن در بلندمدت است.

۲. وابستگی پرداخت حق الزحمه پیمانکار به میزان تولید از میدان: در **IPC** حق الزحمه پیمانکار به میزان تولید وابسته بوده و به صورت به ازاء تولید هر بشکه نفت یا هر متر مکعب گاز پرداخت

۴. سیدعماد حسینی معاون امور مهندسی وزارت نفت در مصاحبه با شانا-۲۵فروردین۱۳۹۵

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

می‌گردد. در نتیجه، بر خلاف بیع متقابل که حق الزحمه بر اساس هزینه‌های سرمایه ای است و پیمانکار را به افزایش هزینه ها ترغیب می کند، **IPC**میزان حق الزحمه را به میزان تولید وابسته می کند.

۳. کاهش نقش نظارتی کارفرما: با توجه به اینکه **IPC** قراردادی بلند مدت است و پرداخت حق الزحمه آن بر اساس میزان تولید صورت می‌گیرد، لذا پیمانکار برای تامین منافع خود به دنبال تحقق تولید حداکثری است و در این راستا تمامی هزینه‌های لازم را انجام می‌دهد و نیازی به نظارت کارفرما برای تحقق تولید صیانتی نیست. بنابراین در این قراردادها بر خلاف قراردادهای بیع متقابل مسئولیت کارفرما کم رنگ می شود.

٤. انعطاف پذیری بالای قرارداد: IPC عملا توسعه ی پلکانی را محقق کرده است. در این قراردادها سقفی برای هزینه‌های سرمایه‌ای در نظر گرفته نشده و پیمانکار متناسب با نیاز میدان، در میدان هزینه می‌کند لذا عملیات توسعه در این قراردادها به صورت گام به گام و پلکانی صورت می‌گیرد و پیمانکار متناسب با رفتار مخزن در طول فرآیند توسعه ی میدان، هزینه‌های خود را در میدان مدیریت می‌کند.[۵]

نظریات منتقدان

با تصویب شکل جدید قراردادهای نفتی توسط دولت زمزمه های مخالفت با این شکل از قراردادهای نفتی از سوی منتقدین برخاست. انتقادات بر این نوع از قراردادها معطوف است به:

۱. ایرادات ذاتی: مغایرت الگوی جدید قراردادهای نفتی با قوانین و اسناد بالادستی.[۶]

۲. ایرادات شکلی: ابهامات درباره مزایای **IPC** نسبت به بیع متقابل.

۳. ایرادات اجرایی: ابهامات فنی، مالی و ساختاری **IPC**.[۷]

انتقادهای وسیع و دامنه دار چنان جدی شد که در مبحث ایرادات ذاتی عده ای از منتقدین درباره این قراردادها تعبیر (بازگشت به دوران قبل از ملی شدن صنعت نفت) به کار برده اند.[۸]

همچنین ایرادات اجرایی و ابهام در ساختار سازمانی؛ عدم تبیین صحیح روابط شرکت های سرمایه گذار با کارفرما و همچنین شرکت های ملی را نیز متذکر شده و نسبت به آن هشدار داده اند.[۹]

به نظر می رسد: «هرچند قراردادهای نفتی شامل سه فعالیت اصلی اکتشاف[10]، توسعه[11]و بهره برداری است، در قراردادهای پیمانکاری موضوع قانون نفت مصوب هشتم مردادماه ۱۳۵۳ عملیات نفتی منحصر به دو مرحله اول یعنی اکتشاف و توسعه شده بود.

---

۵. سیدعماد حسینی معاون امور مهندسی وزارت نفت در مصاحبه با شانا-۲۵فروردین۱۳۹۵

۶. نشریه عدالت نامه، شماره چهارم، اسفند۹۴، گفتگو با مهدی پیری فارغ التحصیل حقوق و انرژی دانشگاه ماستریخت هلند

۷. نامه منتقدان الگوی آی پی سی به نمایندگان مجلس-۱۵ تیرماه ۹۵

۸. محمدرضا اکبری مدیر گروه نفت اندیشگاه تحلیلگران انرژی-مصاحبه با برنامه ثریا-بهمن ماه۱۳۹۴

۹. فرحناکیان-همان

10. Exploration
11. Development

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

بند (۲) ماده ۳ این قانون صرفاً به اکتشاف و توسعه تصریح کرده بود:

شرکت ملی نفت ایران می تواند به منظور اجرای عملیات اکتشاف و توسعه نفت. . . قراردادهایی را که مقتضی بداند بر مبنای پیمانکاری تنظیم و امضاء نماید»

پیمانکار پس از تحقق تولید تجاری موظف بود پروژه را برای بهره‌برداری به شرکت ملی نفت ایران تحویل نماید.

طبق بند (۱) ماده ۱۴ قانون مذکور: با آغاز تولید تجاری هر میدان، میدان مزبور از ناحیه قرارداد تفکیک می‌شود و قرارداد پیمانکاری که به موجب ماده (۱۱) این قانون پیش‌بینی شده است نسبت به آن میدان خاتمه می‌یابد».

در بند (۲) ماده مزبور تصریح شده بود که: «اجرای کلیه عملیات در هر میدان تجاری از تاریخ آغاز تولید تجاری آن میدان راساً بر عهده شرکت ملی نفت ایران خواهد بود».

نهایتاً با اصلاح قانون نفت مصوب نهم مهرماه ۱۳۶۶ در بیست و دوم خردادماه ۱۳۹۰، کل قانون نفت مصوب هشتم مردادماه ۱۳۵۳ صراحتاً نسخ گردید» (شیروی، ۱۳۸۷: ۱۵۰).

به موجب ماده ۱۶ قانون نفت اصلاحی بیست و دوم خردادماه ۱۳۹۰: «از تاریخ تصویب این قانون، قانون نفت مصوب هشتم مردادماه ۱۳۵۳ لغو می گردد»

محمدرضا اکبری مدیر گروه نفت اندیشگاه تحلیلگران انرژی که یکی از منتقدان اصلی این نوع قراردادهاست می‌گوید: «یکی از معضلاتی که در این قرارداد وجود دارد این است که ترتیبات عقد قرارداد را با شرکت‌های طرف دوم خودش مطرح کرده است یعنی مشکل در اینجا تضعیف حاکمیت است که یک شرکتی در قالب یک شرکت خصوصی تابعیت ایرانی تشکیل می‌شود که متشکل از یک شرکت خصوصی دیگر و یک شرکت خارجی می‌شود؛ سوالی که مطرح است این است که واقعا شرکت‌های بهره‌بردار کشور خودمان که سابقه بهره‌برداری صدساله از میدان را دارند، اگر بخواهند در این فعالیت ورود پیدا کنند باید چه سازوکاری را طی کنند؟ به نوعی می‌توان گفت که از نظر حقوقی یک مشکل جدی پیش آمده است و احتمال زیاد شرکت‌های بهره‌بردار خلع ید می‌شوند اما شرکت‌های خارجی که عمدتا طرف قرارداد هستند، فعال می‌شوند. یکی از بحث‌هایی که در بندهای قراردادی مطرح می کنند این است که قرار است کمیته مشترکی تشکیل بشود که اعضای این کمیته مساوی است؛ بحث این است که این ترکیب مساوی و برابر است و اگر اختلافی در مباحث فنی بوجود بیاید که قطعا هم به‌خاطر تفاوت در دیدگاه‌ها و تنوع مباحث فنی به وجود می‌آید، چه راهکاری برای حل این اختلافات ارائه شده است و اگر قرار باشد کسی حرف آخر را بزند چه کسی این حرف را می‌زند؟ نهایتاً اگر بین این کمیته اختلاف ایجاد شد بحث بین مدیران ارشد شرکت‌ها کشیده می‌شود و مدیران ارشد هم دو نفر هستند! بعبارتی مثل برجام مشکل داوری را خواهیم داشت ضمن اینکه می‌توانند این داوری رابه خارج از کشور ما ببرند.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

مشکل دیگر عدم شفافیت نظام پاداش و جریمه است؛ در این قراردادها فرمولی در نظر گرفته شده است که بابت هر بشکه‌ای که برای میادین GREEN و BROWN استخراج شود دستمزد و پاداشی را بگیرند اما این شرکتی که قرار است توسعه بدهد به آن سطح تولید مدنظر نرسد هیچ جریمه‌ای نمی‌شود و استدلالی که مسئولین ما دارند این است که این‌ها پاداش نمی‌گیرند، خودش جریمه است در صورتی‌که وقتی شرکت به تعهدش عمل نکرده است چرا نباید جریمه بشود؟در افزایش قیمت نفت سود قابل توجه نصیب خارجی‌ها شده و ضرر کاهش قیمت‌ها نصیب کشورمان می‌شود. یکی دیگر از مشکلات فرمول نامناسبی است که داریم؛ کارشناسان دولت می‌گویند قراردادهای **IPC** مدل خدماتی است که آمده‌ایم ریسک قیمت نفت را در آن دخیل کرده‌ایم یعنی اگر قیمت نفت بیش از ۵۰ درصد افزایش پیدا کند، «فی» شرکت توسعه دهند افزایش پیدا می‌کند و بازهم در اینجا توزیع ریسک خوب دیده نشده است و درجاهایی که افزایش قیمت نفت داریم، سود قابل توجهی نصیب شرکت پیمانکار می‌شود و در کاهش قیمت‌ها ضرر آن نصیب کشورمان می‌شود .طراحی قراردادهای جدید به گونه‌ای است که در شرایط تحریم نمی‌تواند منافع ملی را حفظ کند در این قراردادها اگر شرایط فورس ماژور ایجاد شود و ما کاهش تکلیفی داشته باشیم (که این کاهش تکلیفی می‌تواند بخاطر دلایل مختلفی از جمله تصمیمات اوپک مبنی براینکه باید ۲ میلیون بشکه کاهش داشته باشیم، باشد) در قراردادهای جدید گفته‌اند ما میادینی که دست خودمان هست را کاهش می‌دهیم و نمی‌گذاریم میادینی که دست شرکت خارجی هست کاهش پیدا کند و اگرهم مجبور شدیم این کار را بکنیم ضرر و زیان آنها را می‌دهیم در صورتیکه در مدل قراردادی عراق این بحث را تعدیل کرده‌اند و گفته‌اند که همه به یک نسبت کاهش پیدا می‌کند؛ یکی از اهدافی که در قراردادهای **ipc** مطرح می‌کنند این است که منافع شرکت‌های خارجی در ایران گره بخورد و این باعث جلوگیری از تحریم‌هایی بشود که ممکن است بعدا برای ما رخ بدهد و می‌توانستیم بسیار بهتر از این قراردادها استفاده کنیم؛این شرکت‌های بزرگ نفتی که شرکت‌های بین‌المللی هستند در کشورشان قطعا صاحب نفوذ هستند، توتال قطعا در دولت فرانسه و شل در دولت انگلستان نفوذ دارند و اگر ما این بند را اضافه می‌کردیم که اگر بخاطر تحریم‌ها تمام عواید شما را قطع می‌کردیم، کل کشور منافع آن را می‌برد و این شرکت‌ها فشار می‌آوردند که اگر شما تحریم کنید ما منافع‌مان را از دست می‌دهیم ولی ما در این قراردادهاگفته‌ایم اگر بخاطر دلایل فورس ماژور اتفاقی رخ بدهد ایران هزینه شما را می‌دهد که متضرر نشوید[۱۲] ».

اما دکتر مهدی پازوکی از موافقین قرارداد **IPC** در گفتگو با پایگاه خبری فرارو در رد نظریات مخالفین می گوید: «مهم ترین دلیل نیاز به حضور خارجی‌ها در صنعت نفت ایران بحث نیاز به منابع مالی است. بر اساس برنامه ششم توسعه منابع مورد نیاز وزارت نفت برای سرمایه گذاری ۱۳۴ میلیارد و۷۰۰ میلیون دلار است. بنابراین کسانی که مخالف قراردادهای نفتی هستند اگر منابعی در اختیار دارند بسم ا. . » پازوکی گفت: «پیش از این فاز ۲ و ۳ پارس جنوبی را شرکت توتال فرانسه با مبلغ ۲ میلیارد دلار انجام داده بود. فاز

۱۲. مصاحبه با برنامه تلویزیونی ثریا-بهمن۱۳۹۴

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

۴ و ۵ پارس جنوبی نیز توسط شرکت انی ایتالیا با حدود ۲. ۵ میلیارد دلار به اضافه نرخ بهره ای که باید به طرف خارجی داده می شد انجام شد. اما فاز ۱۵ و ۱۶ که توسط شرکت داخلی انجام شد حدود ۷ میلیارد دلار هزینه برداشت. بنابراین این موضوع نشان می دهد اعتراض به قراردادهای جدید نفتی کاملا سیاسی است».[۱۳]

مغایرت آی پی سی با قوانین بالادستی

درباره مغایرات قانونی و ذاتی قراردادهای موسوم به **IPC** کارشناسان بسیاری نظرات متعدد و متنوعی داده اند لکن به اختصار از منظر حقوقی می‌توان گفت:

۱. به موجب ماده ۲ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب هشتم بهمن ماه ۱۳۸۶ با اصلاحات بعدی: «فعالیت‌های اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران شامل تولید، خرید و یا فروش کالاها و یا خدمات به سه گروه زیر تقسیم می‌شود:

گروه یک ـ تمامی فعالیتهای اقتصادی به جز موارد مذکور در گروه دو و سه این ماده.

گروه دو- فعالیت‌های اقتصادی مذکور در صدر اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی به جز موارد مذکور در گروه سه این ماده.

گروه سه- فعالیت‌ها، مؤسسات و شرکت‌های مشمول این گروه عبارتند از.....:

شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های استخراج و تولید نفت خام و گاز، معادن نفت و گاز،

به موجب بند (ج) ماده ۳ همین قانون: «سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت در فعالیتها و بنگاههای مشمول گروه سه ماده ۲ این قانون منحصراً در اختیار دولت است ».

در حال حاضر نیز تحقق جداگانه و یا مجتمعاً هر یک از موارد سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت اشخاص حقوقی بخش های خصوصی جهت انجام فعالیت های حوزه بالادستی نفت و گاز ممنوع می‌باشد و به صراحت بند (ج) ماده ۳ قانون اجرای سیاست های کلی ۴۴ قانون اساسی مصوب هشتم بهمن ماه ۱۳۸۶ با اصلاحات بعدی همچنان این موارد منحصراً در اختیار دولت می‌باشد.

۲. به موجب بند (الف) ماده ۳ «تصویب نامه شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز» مصوب هشتم مهرماه ۱۳۹۴: «در تمامی قراردادهایی که براساس این تصویب نامه منعقد می‌گردند، اصول زیر

حاکم می باشد: الف) حفظ حاکمیت و اعمال تصرفات مالکانه دولت جمهوری اسلامی ایران از طریق وزارت نفت بر منابع و ذخایر نفت و گاز طبیعی کشور ».

13. http://fararu.com/fa/news/286816

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

۳. به موجب ماده ۲ قانون نفت اصلاحی بیست و دوم خردادماه ۱۳۹۰: «کلیه منابع نفتی جزء انفال و ثروتهای عمومی است. اعمال حق حاکمیت و مالکیت عمومی بر منابع مذکور به نمایندگی از طرف حکومت اسلامی بر عهده وزارت نفت است».

اگرچه عبارت «حکومت اسلامی» در ماده ۲ قانون نفت اصلاحی بیست و دوم خردادماه ۱۳۹۰ بدون داشتن هیچ گونه مجوز قانونی به «دولت جمهوری اسلامی ایران» در «تصویب نامه شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز» مصوب هشتم مهرماه ۱۳۹۴ تبدیل شده است اما عبارت «حکومت اسلامی» اعم از «دولت جمهوری اسلامی ایران» می باشد؛ و دولت یکی از ارکان حکومت اسلامی به شمار می رود و نه خود حکومت اسلامی.

۴. به موجب قسمت اخیر تبصره بند (الف) ماده ۱۱ «تصویب نامه شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز» مصوب هشتم مهرماه ۱۳۹۴: «این عملیات با حفظ مسئولیت پشتیبانی و نظارت کامل فنی، مالی، حقوقی و تخصصی طرف دوم قرارداد، همراه با تأمین تجهیزات، قطعات و مواد مصرفی لازم توسط وی، به صورت مشترک انجام می شود. شرکت تابعه ذی ربط موظف است در بهره‌برداری از تأسیسات موضوع قرارداد، کلیه دستورالعمل های فنی، حرفه ای و برنامه های عملیاتی طرف دوم قرارداد را رعایت و اجرا نماید. در غیر این صورت، عدم اجرای عمدی اقدامات یادشده، نقض تعهدات قراردادی توسط طرف اول قرارداد محسوب می شود .» در این جا نیز درج «نظارت کامل» طرف دوم قرارداد بر شرکت تابعه شرکت ملی نفت، موظف شدن شرکت تابعه ذی ربط به «رعایت و اجرای» کلیه دستورالعمل های فنی، حرفه ای و برنامه های عملیاتی طرف دوم قرارداد و تصریح به «فرض مسئولیت قراردادی» در صورت عدم اجرای آنها برای شرکت تابعه شرکت ملی نفت با «حاکمیت تولیدی» شرکت ملی و وزارت نفت به نمایندگی از حکومت اسلامی مقرر در ماده ۲ قانون نفت اصلاحی بیست و دوم خردادماه ۱۳۹۰ در تعارض قرار می گیرد.

طراحان این مصوبه چنین استنباط کرده اندکه: شرکت‌های تابعه شرکت ملی نفت ایران مطلقاً هیچ تخصص و دانشی ندارند و باید به صورت عامل در اختیار شرکت خارجی قرار گیرند. این شرکت خارجی است که مسئولیت و نظارت کامل فنی، تخصصی و حتی حقوقی را به عهده دارد و شرکتهای تابعه شرکت ملی نفت ایران باید مثل یک کارگر ساده و فاقد تخصص، کارگری شرکتهای خارجی را به عهده بگیرد.

«شرکت‌های تابعه هر چند در بهره‌برداری مشارکت دارند ولی این بهره‌برداری باید زیر نظر شرکت خارجی انجام شود و شرکتهای تابعه باید کلیه فرآمین فنی و حرفه‌ای و برنامه‌های عملیاتی طرف خارجی را رعایت کنند و به اجرا گذارند. حتی اگر این عملیات به ضرر کشور و مخالف تولید صیانتی باشد، شرکت‌های تابعه باید تابع فرامین طرف خارجی انجام وظیفه کنند. این مشارکت در بهره‌برداری نیست بلکه عملگی و کارگری برای طرف خارجی است».[۱۴]

۱۴. گزارش هیات مجلس شورای اسلامی در بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین مورخه: ۱۳۹۴/۱۰/۲۸

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

۳- نتیجه‌گیری

صرف نظر از برخی مشابهت ها بین قراردادهای بیع متقابل و مدل جدید موسوم به آی پی سی که از این حیث قابل تطبیق هستند اما اگر از اینها بگذریم در سایر موارد به نظر می‌آید آی پی سی که قرار بود اشکالات بیع متقابل را برطرف نماید باوجود بازنگری و انجام مکرر اصلاحات (بیش از پنجاه بار) به دلایل عدیده از بیع متقابل ضعیف تراست که به برخی از آن در بندهای آتی مختصراً اشاره می‌گردد:

اولاً هم در بیع متقابل و هم در نسل های قبلی بخصوص از دهه پنجاه به بعد، شرکت‌های خارجی نقشی در تولید و بهره برداری نداشتند اما در آی پی سی به بهانه جذابیت قرارداد نقش سرمایه گذار خارجی در تمامی زنجیرهٔ تولید اعم از اکتشاف و توسعه و بهره برداری پررنگ و برجسته است که از این حیث با قراردادهای دوره قاجار قابل مقایسه و بسیار شبیه به آن است و در دراز مدت موقعیت شرکت ملی نفت ایران را تضعیف می کند و به ضرر منافع ملی و اقتصاد کشور می‌باشد.

ثانیاً قرارداد بیع متقابل اگرچه ضعف هایی داشت ولی در طول اجرا موفقیت‌هایی اگر نگوییم قابل توجه بلکه حداقل بطور نسبی در جذب سرمایهٔ خارجی و عقد قرارداد با شرکت‌های بزرگ نفتی و بین المللی داشته است که ازجمله می توان به قرارداد شرکت‌های توتال فرانسه، پتروناس مالزی، پروم روسیه، شرکت اجیپ ایتالیا و غیره نام برد که برای توسعه میادین سیری، دارخوین وبخصوص پارس جنوبی بعنوان بزرگترین حوزه گازی ایران و بزرگترین منبع گـازی جـهان منعقد گردید. در حالی که مدل جدید، علیرغم همهٔ امتیازاتی که به طرف خارجی می‌دهد تاکنون در مرحلهٔ اجرا هیچ توفیقی نداشته است. توضیح اینکه تنها قراردادانعقادی در قالب مدل جدید که با شرکت توتال بسته شده بود پس از خروج آمریکا از برجام شرکت مذکوربطور یک جانبه آنرالغو می کندوازایران خارج می گردد.

ثالثاً وجه تمایز و مقایسه دیگر آی پی سی با مدل بای بک (بیع متقابل) دخالت و حضور شرکت ایرانی بعنوان شریک شرکت خارجی در مدل جدید است که این موضوع هم بدلیل وجود ابهام‌های فراوان در نحوهٔ اجرا و اینکه حضور شرکت ایرانی تحت سلطه و مدیریت بیگانگان تعریف شده و در نهایت کفه ترازوی منافع را به نفع غول های نفتی خارجی سنگین‌تر می‌کند نه تنها کمترین عایدی برای کشور ندارد بلکه توان متخصصین داخلی را همراه را با تحقیر نادیده می‌گیرد بنابراین بر خلاف مدافعین مدل جدید چنین شرطی، امتیازی برای کشور محسوب نمی‌شود.

رابعاً حضور بلندمدت شرکتهای خارجی در ایران بعلاوه سپردن مدیریت همهٔ مراحل تولید به دست آنها ضمن آنکه با قاعدهٔ فقهی و اصیل نفی سبیل که همانا معنا و مفهوم آن منع استیلای بیگانگان بر منابع و مقدرات کشور اسلامی است، در تغایر و تعارض آشکار می‌باشد بطور دراز مدت هم خطر تسلط و نفوذ اجانب را درهمهٔ شئونات کشور به دنبال خواهد داشت.

خامساً حسب اظهارات مسئولین صنعت نفت بخصوص مبدعان و طراحان مدل جدید، قرار بود پس از برجام با بهینه سازی قرارداد بیع متقابل به نحوی عمل شود که سرمایه گذاران خارجی در ایران زمین‌گیر

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

شوند و سرمایهٔ آنها گروگانی برای دور زدن و مقابله با تحریم در یک هم افزایی و همنوایی شرکت‌های خارجی با ایران به خاطر منافع مشترک باشد اما خروج توتال آن هم پس از تنها چند ماه از قراردادی ۲۵ ساله نشان داده که اینگونه تحلیل های بی اساس جز خیال و سرابی بیش نبوده است.

نتیجه و ملخص کلام اینکه برخلاف نظر تدوین کنندگان آی پی سی که در فضایی بسیار پر سروصدا آن را معامله ای برد برد می‌دانستند به دلایل فراوان که تنها به بخشی از آن بشرح فوق اشاره گردید مدل قرارداد جدید در مقایسه با مدل قدیم مزیت و برتری نداشته بلکه اساساً کارآمدی لازم را در شکوفایی اقتصادی ایران نخواهد داشت.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

فهرست منابع و مآخذ

کتب:

۱-آژند، یعقوب و همکاران. (۱۳۷۸)، نفت در دوره رضا شاه. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

۲- اسعدی، محمد. (۱۳۹۱)، قاعده منع استیلای کفار بر مسلمانان. قم: آیین احمد (ص)

۳- اشمیتوف، کلایو ام. ، حقوق تجارت بین‌الملل، ترجمه زیر نظر بهروز اخلاقی، تهران، سمت، ۱۳۷۸ ش.

۴- اصغرزاده، عبدالله. (۱۳۷۴)، آشنایی با تجارت متقابل. تهران: مؤسسهٔ چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه

۵- اصغریان، مجتبی. (۱۳۶۵)، قراردادهای بین المللی نفت و گاز. تهران: نشرخرسندی.

۶- حاتمی، علی؛ کریمیان، اسماعیل. (۱۳۹۴)، حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادهای سرمایه‌گذاری. تهران: انتشارات تیسا

۷- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۹)مجموعهٔ محشای قانون مدنی، تهران، گنج دانش.

۸- ----------. (۱۳۹۴)، ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش

۹- شاپیرا، ژان. (۱۳۷۱)حقوق بین‌الملل بازرگانی، ترجمهٔ ربیعا اسکینی، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی،

۱۰- قطبی، منصور. (۱۳۶۱)، نفت از آغاز تا امروز. تهران: انتشارات وزارت نفت

۱۱-کاتوزیان، ناصر. حقوق مدنی: عقود معین (مشارکت‌ها ـ صلح)، چاپ ششم، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۳ ش.

۱۲----------. (۱۳۷۲)، قواعد عمومی قرارداد ها. تهران: انتشارات مدرس

۱۳- ماسلی، لئوناردو. (۱۳۶۵)، نفت، سیاست و کودتا درخاورمیانه. مترجم: رفیعی مهرآبادی، محمد. تهران: انتشارات رسام

۱۴- موحد، محمدعلی. (۱۳۵۷)، نفت ما و مسائل حقوقی آن. تهران: نشر خوارزمی

۱۵- موسوی، سیدحسن. (۱۳۹۶)، تحلیل حقوقی الگوی قراردادی خدمت در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز ایران با تاکید بر الگوی قراردادی جدید (آی پی سی). تهران: گنج دانش

۱۶- نصری، قدیر. (۱۳۸۰)، نفت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی

مقالات:

۱۷- ابراهیمی، سید نصرالله؛ شیریجیان، محمد. (۱۳۹۳)، قراردادهای بالادستی نفت و گاز نظام جمهوری اسلامی ایران و تبیین دلالت‌های قانونی و الزامات قراردادهای جدید. تهران: فصلنامه پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

۱۸- حسینی، سیدعلیرضا؛ ناظری، محمدرضا. (۱۳۹۵)، تأثیر قاعده فقهی نفی سبیل بر روابط بین المللی مسلمانان. دو فصلنامه علمی اختصاصی معارف فقه علوی

۱۹- درخشان، مسعود؛ تکلیف، عاطفه. (۱۳۹۴)، انتقال و توسعه فناوری در بخش بالادستی صنعت نفت ایران ملاحظاتی در مفاهیم، الزامات، چالش‌ها و راهکارها. پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، سال چهارم، شماره ۱۴

۲۰- شیروی، عبدالحسین. (۱۳۸۳)، انواع روش‌های قراردادی تجارت متقابل. نشریهٔ اندیشه‌های حقوقی، سال دوم، شمارهٔ ۷

۲۱- صابر، محمدرضا. «مطالعهٔ تطبیقی ماهیت حقوقی قراردادهای بیع متقابل و جایگاه قانونی آن»، مجلهٔ حقوقی (نشریهٔ مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری)، شمارهٔ ۳۷، ۱۳۸۶ ش.

۲۲- صادقی، جوانمرد. (۱۳۸۳)، «جنبه‌های حقوقی قراردادهای سرمایه‌گذاری بیع متقابل». مجلهٔ پژوهش‌های حقوقی وابسته به مؤسسهٔ مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، سال سوم، شمارهٔ ۵

۲۳- صادقی زیازی، حاتم؛شفقتی، زینب. (۱۳۹۶)، جذب سرمایه گذاری خارجی با انعقاد قراردادهای جدید نفتی ایران (آی پی سی). مجله دانش حقوق ومالیه، سال اول، شماره۲

۲۴- عزیزاللهی، محمدرضا. (۱۳۸۴)، قرارداد بیع متقابل. حوزه و دانشگاه، شماره ۴۴

۲۵- علی احمدی، حسین. (۱۳۸۳)، قاعده فقهی نفی سلطه کافر بر مسلمان. ماهنامه مکتب اسلام،

۲۶-مافی، همایون و محمدتقی کریم‌پور، «ماهیت و آثار حقوقی فهرست کالاهای احتمالی در معاملهٔ بیع متقابل»، پژوهشنامهٔ حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، سال دوم، شمارهٔ ۷، زمستان ۱۳۸۶ش.

۲۷- محمدی، سام؛اصغری آقمشهدی، فخرالدین و حاجی حسینی، محمدجواد. (۱۳۹۴)، مقاله بررسی قواعد اختصاصی قراردادهای بالادستی نفت با تاکید بر قرارداد جدید نفتی موسوم به **IPC**. فصلنامه حقوق اداری

۲۸-مقدم، محمدرضا؛ مزرعتی، محمد. (۱۳۸۶)، «مدل‌سازی و تحلیل قراردادهای بیع متقابل و ارائهٔ مدل بهینه‌سازی قرارداد در ایران». مجلهٔ تحقیقات اقتصادی، شمارهٔ ۷۶

۲۹- روزنامهٔ ایران اقتصادی، سال پانزدهم، شمارهٔ ۴۱۳۶، ۱۳ بهمن ۱۳۸۷ ش.

اسناد و قوانین:

۳۰- اسناد نفت، از انتشارات دولت مصدق، اداره کل انتشارات و تبلیغات، تهران، آبان ۱۳۳۰.

۳۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸(به همراه اصالحات ۱۳۶۸).

۳۲- قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰/۱۲/۱۹.

۳۳- قانون نفت مصوب ۱۳۶۶.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]